

عنوان مقاله:

بررسی میزان تاثیر پذیری صادق چوبک از تفکرات آرتور شوپنهاور (فیلسوف و دانشمند آلمانی)

محل انتشار:

اولین همایش بین المللی فرهنگ و ادبیات فارسی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسنده:

علی باقری - کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

خلاصه مقاله:

شوپنهاور، فیلسوف قرن نوزدهم آلمان، از لحاظ ماهیت درونی، این جهان پدیدار را محصول اراده می داند که موتور محرک تنازع بقا در این جهان مادی است. بر این اساس فرمانبرداری از نیروی اراده، ریشه ی تمام آلام و رنجهای بشری محسوب می گردد. بنابراین در فلسفه ی شوپنهاور، انسان همواره میان خواست و رنج درگیر است. همین دیدگاه او نسبت به جهان موجب گردیده که او را فیلسوف بدبین بخوانند. از آنجا که از ناتورالیسم تا فلسفه ی بدبینی راهدرازی نیست، ناتورالیست ها در نوشته های خود از دیدگاه بدبینانه ی شوپنهاور بهره برده اند. به همین دلیل بیشترداستان های ناتورالیستی از حال و هوایی یاس زده و اندوهناک رنج می برند. صادق چوبک به عنوان یک نویسنده ی ناتورالیست از دو طریق: مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر افکار و فلسفه ی شوپنهاور بوده است. او از جمله نویسندگان ناتورالیستی است که خیلی زود این راه را می پیماید و لذا در بیشتر داستان هایش، بیهودگی و بن بست در کمین آدمها نشسته است. در این تحقیق نگارنده تلاش نموده است تا میزان این تاثیر و بازتاب آن را در داستان ها و آثار چوبکنشان دهد. روش تحقیق نگارنده در این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است که مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و فیش برداری است. در این پژوهش ابتدا تمام داستان های صادق چوبک و آثار شوپنهاور به شکل دقیق مورد مطالعه قرار گرفته است سپس نمونه هایی از مواردی که صادق چوبک تحت تاثیر اندیشه و تفکر فلسفی شوپنهاور بوده است بازنمایی و مشخص گردیده است.

کلمات کلیدی:

آرتور شوپنهاور، رنج و بدبینی، فلسفه، ناتورالیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1765279>

